

بررسی تطبیقی انقلاب‌های جهان اسلام بر اساس نظریه جیمز دیویس (مطالعه موردی: انقلاب تونس، مصر و لیبی)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۲
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۲۵

محمدجواد هراتی^{۱*}
رضا یوسفی^۲

چکیده

نظریه‌های انقلاب در شرایطی ارائه شده‌اند که اغلب جامعه آماری محدودی را داشته‌اند. به همین دلیل در برخی موارد با در نظر گرفتن چند انقلاب نظریه‌ای ارائه شده که ممکن است نظریه اشکالاتی در تبیین انقلاب‌های بعدی با مشکل مواجه باشد. به همین دلیل ارزیابی میزان آزمون‌پذیری نظریه‌های انقلاب و تطبیق این دسته از نظریه‌ها با انقلاب‌های جدیدالوقوع امری مهم در تأیید یا رد نظریه است و در اصلاح مطالعات این حوزه مؤثر است. به نظر می‌رسد که برخی از نظریه‌های انقلاب تبیین‌کننده شرایط خاص اجتماعی هستند و برخی دیگر، توان پاسخگویی به چرایی انقلاب را ندارند؛ و یا در تبیین دقیق آن ناتوان هستند. به همین منظور بررسی نظریه‌های انقلاب با تحولات انقلابی در جهان اسلام اهمیت دارد. یکی از این نظریه‌های انقلاب است که در قالب نظریه‌های خرد انقلاب مطرح می‌شود، نظریه محرومیت نسبی جیمز دیویس است. سؤال مقاله حاضر این است که نظریه محرومیت نسبی تا چه اندازه با تحولات انقلابی در سه کشور مورد بحث مقاله مطابقت دارد. نگارندگان بر این باورند که نظریه مذکور تا حدودی می‌تواند علل انقلاب در کشورهای مذکور را توضیح دهد اما نگاهی جامع به علل این انقلاب‌ها ندارد و برای تبیین دقیق تری از انقلاب‌ها بایستی به سایر نظریه‌ها نیز توجه نمود.

واژگان کلیدی: جیمز دیویس، انقلاب، تونس، مصر، لیبی.

۱. دانشیار رشته انقلاب اسلامی گروه معارف اسلامی دانشگاه بوعلی سینا همدان

(نویسنده مسئول: m.harati@basu.ac.ir)

۲. دانشجوی دکتری رشته تاریخ انقلاب اسلامی دانشگاه بوعلی سینا همدان

(yousefi_1365@yahoo.com)

مقاله پژوهشی

صفحه ۳۰۲-۲۸۱

مقدمه

کشورهای عرب مسلمان خاورمیانه در روزهای پایانی سال ۲۰۱۰ میلادی دستخوش ناآرامی‌های سیاسی گسترده‌ای گردیده و تغییرات اساسی در برخی از کشورهای اسلامی از قبیل تونس، مصر و لیبی اتفاق افتاد به طوری که منطقه شمال آفریقا را از نظر سیاسی، وارد دوره جدیدی نمود که ویژگی بارز آن سقوط نظام‌های سیاسی اقتدارگرا بود. بر این اساس درباره شروع تحولات سیاسی خاورمیانه می‌توان گفت موج اعتراضات ضد دولتی با خودسوزی یک شهروند تونسی به دلیل فقر و تنگدستی در اواخر سال ۲۰۱۰ م. به وجود آمد و به سرعت این اعتراضات به سایر کشورهای خاورمیانه نیز سرایت پیدا نمود و این نارضایتی‌ها در پاسخ به وضعیت بد اقتصادی، بیکاری، فساد اداری، فشار و اختناق بود که روز به روز دامنه گسترده‌تری پیدا می‌کرد و در نهایت منتهی به بروز تحولات مهم سیاسی در سرزمین‌های اسلامی و سقوط حکومت‌های خاورمیانه گردید.

به دنبال بروز انقلاب در خاورمیانه، تحقیق و بررسی عوامل شکل‌گیری انقلاب در این منطقه، یکی از مسائل مورد علاقه پژوهشگران قرار گرفت که این انقلاب‌ها را بر اساس تئوری‌های مختلف انقلاب مورد آزمون‌پذیری قرار دهند و در این زمینه پژوهش‌های زیادی صورت گرفت و بسیاری از تئوری‌های انقلاب در تحولات سیاسی کشورهای خاورمیانه مورد تحقیق و ارزیابی قرار گرفتند ولی در این میان مسئله تحقیق در زمینه آزمون‌پذیری انقلاب‌های جهان اسلام بر اساس تئوری جیمز دیویس مورد غفلت محققان قرار گرفت؛ به همین دلیل، این تحقیق در صدد است انقلاب‌های جهان اسلام را در تونس، مصر و لیبی بر اساس نظریه جیمز دیویس مورد بررسی و تطبیق قرار دهد.

الف- طرح سوال و فرضیه پژوهش

پژوهش اخیر بر بنیان این سؤال اصلی استوار است که آیا تئوری جیمز دیویس در انقلاب‌های جهان اسلام از قبیل انقلاب تونس، مصر و لیبی قابل ارزیابی و تطبیق است؟ در پاسخ به این سؤال اصلی به عنوان فرضیه پژوهش می‌توان گفت با تحقیق و بررسی آنچه که در کشورهای تونس، مصر و لیبی اتفاق افتاد می‌توان گفت شاخص‌هایی که جیمز دیویس برای شکل‌گیری انقلاب مطرح می‌نماید در انقلاب تونس، مصر و لیبی قابل مشاهده و ارزیابی است.

ب- ضرورت و اهداف تحقیق

یکی از مسائل اصلی که در یک جامعه دولتمردان باید به آن توجه جدی نمایند بحث مطالبات مردم در زمینه اقتصادی و معیشتی است؛ در صورتی که این موضوع مورد غفلت حاکمان قرار گیرد می‌تواند باعث ایجاد نارضایتی و شکل‌گیری تحولات سیاسی در جامعه گردد. در بحث اهمیت و ضرورت تحقیق در موضوعات مرتبط با انقلاب می‌توان گفت تحقیقاتی که با رویکرد علمی انجام می‌گیرد؛ می‌تواند نقشه راهی در اختیار دولتمردان قرار می‌دهد تا با توجه به زوایای مختلف زندگی مردم از بروز تحول سیاسی در جامعه جلوگیری نمایند. از سویی دیگر پژوهش اخیر به دنبال این است که میزان انطباق‌پذیری نظریه جیمز دیویس را با انقلاب‌های جهان اسلام برای علاقه‌مندان به مطالعه در این موضوعات را آشکار نماید.

پ- پیشینه پژوهش

درباره پیشینه بحث می‌توان گفت درباره علل شکل‌گیری و همچنین فرآیند به روز انقلاب‌های جهان اسلام تحقیقاتی با عناوینی از قبیل نقش رسانه‌های اجتماعی و فضای مجازی در انقلابات تونس، مصر و لیبی، ریشه‌های شکل‌گیری این انقلاب‌ها، و بررسی تطبیقی انقلاب‌های جهان اسلام و انقلاب اسلامی پژوهش‌هایی صورت گرفته‌است؛ همچنین برخی از نظریه‌ها نیز در این انقلاب‌ها مورد بررسی قرار گرفته ولی تا کنون تحقیق جامع و مستقلی در زمینه تطبیق منحنی دیویس با انقلاب تونس، مصر و لیبی صورت نگرفته است.

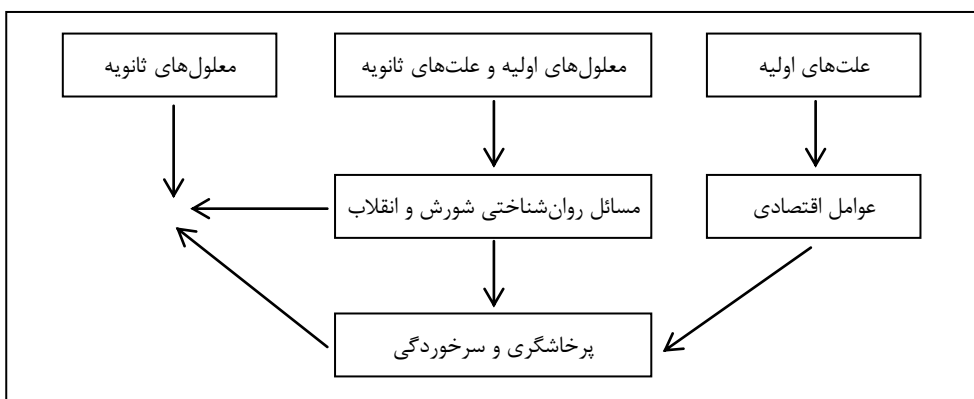
ت- مبانی نظری و روش پژوهش

در زمینه تحلیل علل بروز انقلاب‌ها در جهان دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. یکی از تحلیل‌های موجود در این زمینه «تحلیل روان‌شناختی» است که رفتار افراد را در شکل‌گیری کنش‌های سیاسی و جمعی موثر می‌داند. در این تحلیل نقش فرایندهای ذهنی و روانی توضیح رفتار انقلابی‌ها و رژیم‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. در این میان می‌توان به نظریه‌های ماروین زونیس، گر و سایر نظریه‌هایی که از منحنی دیویس الهام گرفته‌اند؛ اشاره نمود (یوسف زاده ۱۳۸۸، ۱۰۹). نظریه‌های روان‌شناختی انقلاب دسته‌ای از تئوری‌هایی هستند که انقلاب‌ها را محصول ایجاد تحول در فرایند ذهنی افراد می‌دانند. این تئوری با توجه تحولاتی که در ذهن افراد به وجود می‌آید؛ بنیان نظری خود را از تئوری ناکامی - پرخاشگری می‌گذراند؛ بر اساس این نظریه اگر در راه رسیدن به اهداف افراد موانعی بوجود

آید نتیجه این موانع ایجاد نارضایتی است (David Warts, 1972, P: 58).

تحلیل روان‌شناختی انقلاب بر اساس دو رهیافت خرد و کلان انجام می‌گیرد که در آن خصوصیات، نقاط قوت و ضعف شخص حاکم بر نظام قبل نیز مورد توجه است^۱ و در این زمینه چهارچوب روان‌شناسی اجتماعی رهیافت کلان‌تری از این دیدگاه است؛ که توسط پژوهشگران اجتماعی به تبیین انقلاب می‌پردازد.

یکی از صاحب‌نظرانی که درباره شکل‌گیری انقلاب رویکرد روان‌شناسانه دارد جیمزدیویس است که نظریه خود را در مقاله‌ای تحت عنوان «به سوی یک تئوری برای انقلاب» در مجله «American Sociological Review» در سال ۱۹۶۲ م. ارائه نمود. جیمزدیویس در تبیین معنایی نظریه خود، به عوامل اقتصادی در بروز انقلاب اشاره می‌کند که باعث شکل‌گیری پدیده انقلاب با ریشه‌های روان‌شناختی می‌گردند. بنابراین طبق مدل زیر، نظریه دیویس نظریه‌ای اقتصادی- روان‌شناختی است که نتایج سیاسی و جامعه‌شناختی در پی دارد.

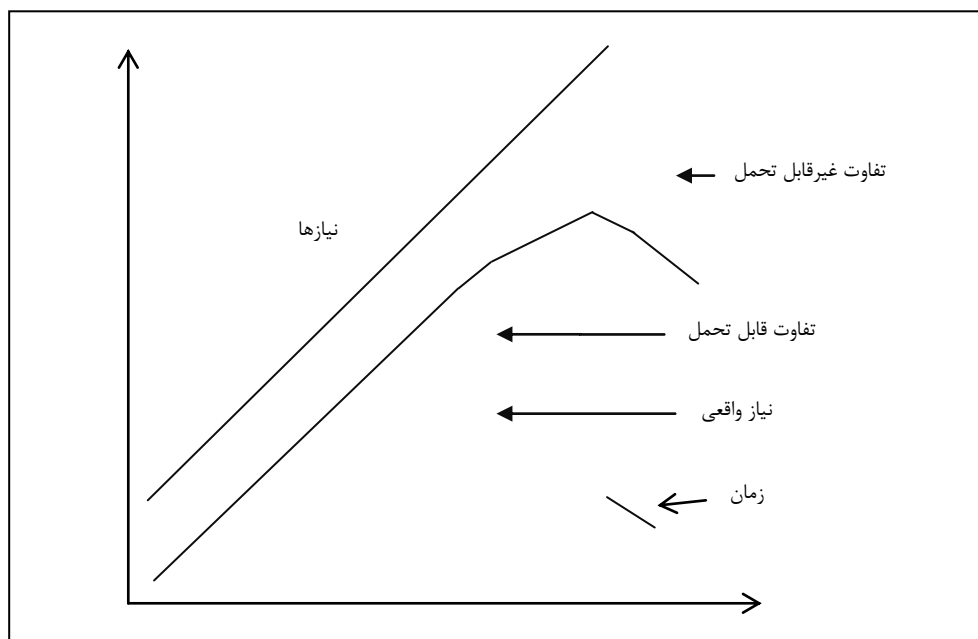


شکل ۱- نظریه اقتصادی- روان‌شناختی دیویس

در نظریه جیمزدیویس که به منحنی‌ز نیز معروف است؛ بر اساس آنچه که دیویس مطرح نموده است، فقر یا محرومیت مطلق^۲ نمی‌تواند به صورت عامل محرکی در انقلاب باشد. وقتی مردم در بدترین شرایط به سر می‌برند؛ به دلیل درگیر بودن در مشکلات زندگی احتمال اینکه دست به قیام بزنند کمتر است؛ بنابراین چیزی که می‌تواند عامل و محرک شورش گردد محرومیت نسبی است و نه مطلق (Davies, J.C. 1962: 5-19).

۱. زونیس، ماروین شکست شاهانه

2. absolute poverty



شکل ۲. منحنی ز دیویس به نقل از (Davies, 1962: 6)

دیویس با رویکرد روان‌شناختی معتقد است ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی در نهایت به حالت ذهنی و روحیات مردم یک جامعه بستگی دارد، یعنی افراد راضی یا بی‌تفاوت که از نظر کالا، پایگاه اجتماعی و قدرت فقیرند، ممکن است از نظر سیاسی آرام بمانند و طرف مقابل آنها شورش کند؛ به همان نسبت و شاید هم بیشتر احتمال دارد که تنگدستان ناراضی طغیان کنند و ثروتمندان راضی با انقلاب مخالفت نمایند. درمقایسه با تامین محسوس و مناسب یا مناسب غذا، برابری و آزادی، بیشتر حالت نارضایتی ذهنی است که موجب انقلاب می‌شود. حالت انقلابی ذهنی نیاز به انتظار مداوم، هرچند پویا نسبت به دسترسی به فرصت بیشتر برای ارضای نیازهای اساسی دارد؛ که ممکن است دامنه گسترده‌ای از ارضای نیازهای جسمی محض از جمله خوراک، پوشاک، پناهگاه، تندرستی و ایمن بودن از آسیب بدنی و اجتماعی و پیوندهای عاطفی، خانوادگی و دوستانه باشد. البته جزء مکمل و ضروری این امر تهدید جدی و مستمر نسبت به ارضای این نیازهاست، نه آن تهدیدی که صرفاً متوجه بقای شخص باشد، بلکه تهدیدی که افراد را در حالت ذهنی ویژه‌ای قرار می‌دهد تا باور کنند در ارضای یک یا چند نیاز اساسی خود توانایی ندارند (Davies, J.C. 1962: 5-19 ، Gurr, 1968: p.25-35).

ث- ارزیابی نظریه جیمز دیویس در انقلاب تونس، مصر و لیبی

بر اساس نظریه منحنی دیویس عواملی که در شکل‌گیری انقلاب نقش اساسی دارد تحولات اقتصادی است که در واقع اتفاق می‌افتد و تاثیر منفی بر تحولات ذهنی افراد دارد. در این زمینه می‌توان نظریه منحنی دیویس را در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار داد. دیویس در محور اول نظریه خود رشد سریع اقتصادی جامعه را نظریه گنجانده است؛ در محور دوم نظریه جیمز دیویس نتایجی که رشد اقتصادی در جامعه می‌تواند داشته باشد باعث می‌گردد در زندگی مردم تا حدودی رفاه و آسایش احساس گردد و سطح انتظارات نیز به تبع آن افزایش پیدا می‌کند؛ و در محور سوم تئوری منحنی دیویس اگر جامعه دچار افت ناگهانی در عرصه اقتصادی گردد، کشور وارد یک دوره رکود اقتصادی خواهد شد که این مسئله منتهی به شکل‌گیری احساس محرومیت در زندگی مردم پس از طی یک دوره ای از رفاه خواهد شد و تاثیرات منفی در تحولات ذهنی افراد خواهد داشت و این احساس محرومیت می‌تواند باعث شکل‌گیری نارضایتی سیاسی در جامعه گردد. بنابراین بر اساس نظریه منحنی دیویس می‌توان تحولات سیاسی جامعه تونس، مصر و لیبی را در سه محور ذیل مورد تبیین و بررسی قرار داد:

- محور اول: رشد سریع اقتصادی

- محور دوم: افزایش سطح انتظارات و توقعات

- محور سوم: ایجاد رکود اقتصادی و احساس محرومیت نسبی

۱- رشد سریع اقتصادی در کشور تونس، مصر و لیبی

جیمز دیویس با بررسی دیدگاه‌های متفاوتی که درباره وقوع انقلاب‌ها مطرح می‌کند، نقش رشد اقتصادی سریع را در وقوع انقلاب‌ها در نظر می‌گیرد. وی وقوع انقلاب را یک دوره عقب‌گرد سریع پس از مدتی طولانی از رشد اقتصادی و اجتماعی می‌داند، عقب‌گردی که با تحمیل آثار روانی بر جامعه منتهی به تحولات سیاسی می‌گردد و زمینه انقلاب را فراهم می‌کند (Davies, J.C. 1962: 5-19). دیویس لازمه شکل‌گیری توقعات فزاینده را رشد سریع اقتصادی بیان می‌کند که به دنبال رشد اقتصادی و بهبود شرایط زندگی مردم، اگر جامعه دچار رکود اقتصادی گردد، و سطح انتظارات با وضعیت اقتصادی جامعه تطابق نداشته و یک محرومیت نسبی به وجود آید؛ در نهایت باعث افزایش نارضایتی توده مردم گردد (Davies, J.C. 1962: 5-19).

در کشور تونس نخستین موضوعی که دیویس برای انقلاب بیان می‌کند؛ قابل مشاهده است. رشد سریع اقتصادی از افزایش قیمت نفت ناشی می‌گردد که در اوایل دهه ۱۹۷۰ باعث افزایش درآمد دولت گردید (Saleh M.Nsouli, 1995: 2) و با اقداماتی که از سوی دولت انجام گرفت کاهش هزینه‌های دولتی و بدهی‌ها کاهش یافت به طوری که GDP از ۴۰/۷ درصد در دوره ۱۹۸۲-۱۹۸۶ به ۳۳/۴ درصد در سال ۱۹۸۷-۱۹۹۱ رسید (Saleh M.Nsouli, 1995:p:2). علاوه بر آن در زمینه صنعت توریسم، سرمایه‌گذاری‌های وسیع عمومی و خصوصی در ساخت‌های زیربنایی صورت گرفت که با این اقدام، زیربنای توسعه اقتصادی جامعه تونس پی‌ریزی گردید (Lisa, 2011: 2).

همچنین دولت تونس با اعمال یک سیاست محکم مالی از طریق برنامه جامع تعدیل اقتصادی، تلاش گسترده‌ای در جهت بهبود وضعیت اقتصادی کشور آغاز کرد. سیاست تعدیل اقتصادی در طول سه برنامه اقتصادی توسعه اجرا گردید (حکیمیان و مشاور، ۱۳۸۳: ۵۶) طی ۲۴ سال زمامداری بن-علی، تولید ناخالص داخلی تونس حدود چهار برابر دوران قبل از وی رسید کشور صنعتی گردید؛ سطح پرداخت عمومی برای سیاست‌های اجتماعی همچنان بالا و در حدود ۱۹ درصد در مهر و موم‌های ۱۹۸۷-۲۰۰۵ میلادی بود؛ به ویژه آموزش و بهداشت در مهر و موم‌های ۱۹۸۶-۲۰۰۲ دو برابر شد (حسین خانی، ۱۳۹۰: ۹).

کشور مصر در میان کشورهای عربی دارای جایگاه مهمی بود و اهمیت ژئوپلیتیکی خاصی داشت. مرحله‌ای که دیویس به عنوان رشد سریع اقتصادی بیان می‌کند؛ در جامعه مصر قابل تعمیم است. نکته‌ای که در این زمینه وجود دارد این است که رشد اقتصادی در مصر به تدریج اتفاق افتاد و می‌توان گفت بنیان رشد و توسعه مصر در زمان جمال عبدالناصر نهاده شد (مقدس و اکوانی، ۱۳۹۱: ۹۷، Abdolmalek, op.cit, pp:xiv-xv، سردارنیا، ۱۳۹۰: ۱۱۰) در دوره انورسادات تلاش‌های گسترده-تری برای رشد اقتصادی مصر انجام گرفت (سردارنیا، ۱۳۹۰: ۱۱۱ و احمدیان، ۱۳۹۰، ۱۳۹۷) پس از این‌که انورسادات، حسنی مبارک بر اساس قانون ۱۹۶۲م. در مصر به قدرت رسید به طوری که تحولات انقلابی مصر مصادف با دوران ریاست جمهوری حسنی مبارک گردید (saikal, 2011, 529-). (533)

در دوره حکومت حسنی مبارک در مصر، روند رشد و توسعه اقتصادی با اقدامات مهم دولت سیر سعودی به خود گرفت (Hunter, 2011). حسنی مبارک اقداماتی از قبیل آزادسازی، اصول اقتصاد مبتنی بر بازا، افزایش ارتباطات جهانی اقتصاد سیاسی مصر، تقویت صادرات به اجرا درآورد. این

اصلاحات به افزایش نقش صنعت توریسم منتهی شد و این صنعت ۱۱ درصد از تولید ناخالص ملی را در سال ۱۹۹۷ م. به خود اختصاص داد (Hunter, 2011, 4, Alissa, 2011) با اقدامات دولت، تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۵ م. از ۴ درصد به ۷ درصد در سال‌های بین ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ م. رسید، که این ارقام بالاترین نرخ رشد اقتصاد مصر را نشان می‌دهد (Hanie, 2011:21-24). اقتصاد مصر در دوران حسنی مبارک یکی از بهترین نتایج توسعه را در میان کشورهای خاورمیانه داشت و میزان رشد اقتصادی آن نسبتاً بالا بود (korotayev and zinkina, 2011:140). به طوری که صندوق بین‌المللی پول (www.imf.org) و بانک جهانی (www.worldbank.org) از موفقیت اصلاحات اقتصادی مصر خبر دادند.

شرایط کشور لیبی با تونس و مصر تا حدودی تفاوت داشت؛ به طوری که رشد اقتصادی کشور لیبی مرهون تلاش‌های دولت نبود، بلکه مرهون منابع نفتی کشور لیبی بود که باعث تحولات مهمی در این جامعه گردید. با اکتشاف و استخراج نفت در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی، اوضاع و شرایط اقتصادی-اجتماعی کشور به کلی دگرگون گردید و پیشرفت‌های محسوسی در زمینه‌های مسکن، آب، برق، کالاهای مصرفی، جاده‌سازی، حمل و نقل و توسعه شهرنشینی نصیب مردم گردید (کتاب سبز لیبی: ۳۹)؛ در واقع درآمدهای هنگفت نفتی از یک سو و جمعیت کم لیبی باعث رشد قابل ملاحظه شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی در این کشور گردیده بود. از نظر شاخص‌های اقتصادی مانند تولید ناخالص داخلی سرانه نیز کشور لیبی با جمعیت شش میلیونی در زمره بهترین کشورهای آفریقا بود و وضعیت اقتصادی این کشور در مجموع به مراتب بهتر از کشورهای مصر و یمن و سوریه و حتی تونس گردیده بود و فقری در آن یافت نمی‌شد (نیاکوئی، ۱۳۹۱، ۱۷۹ تا ۱۸۰). بررسی شاخص‌های کلی اقتصاد لیبی این موضوع را بیان می‌کند که در لیبی رشد سریع اقتصادی بر اساس آن چه که جیمز دیویس در طرح نظریه خود به عنوان اولین مرحله در شکل‌گیری انقلاب بیان کرده، در این کشور نیز وجود داشته است.

۲- تئوری جیمز دیویس و شکل‌گیری شاخص افزایش توقعات و انتظارات مردم در

کشورهای خاورمیانه

رابرت گر که نظریه جیمز دیویس را تکمیل نمود؛ سطح توقعات و انتظارات را در محورهای مختلفی مورد بررسی قرار داده و در این زمینه معتقد است که افزایش سطح توقعات را می‌تواند با

معیارهایی از قبیل «افزایش آموزش و میزان سواد»، «شکل ایدئولوژی نوسازی و اصلاح گرایانه در جامعه» مورد سنجش قرار داد (Gurr, 1968: p.25-35). آموزش و سواد یکی از عوامل مهم در افزایش سطح انتظارات به شمار می‌رود؛ با توجه به آمار و ارقامی که در تونس، مصر و لیبی در این زمینه ارائه گردیده است مشخص می‌گردد که به دنبال افزایش سطح آموزش و سواد، توقعات مردم مرتبط با رشد و احیا جایگاه علم آموزی به طبع آن افزایش یافت. در مباحث بعدی توجه حکومت‌ها به بخش آموزش و سواد که باعث رشد چشمگیر افراد تحصیل کرده و بالا رفتن سطح آگاهی گردید و همچنین برنامه اصلاحی دولت و ایدئولوژی نوسازی در رشد و آگاهی مردم تونس، مصر و لیبی مورد تبیین قرار می‌گیرد.

۲-۱- وضعیت آموزش و سواد در تونس، مصر و لیبی

تونس مانند دیگر کشورهای منطقه پس از جنگ جهانی دوم در نتیجه برنامه‌های بلند پروازانه دولتمردان شاهد رشد طبقات تحصیل کرده گردید. مهمترین پیامد رشد اقتصادی تونس و کشورهای عربی، رشد قابل توجه شاخص‌های آموزش بود. در سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۵ میزان سواد در تونس به ۶۲ درصد رسید. تونس از جمله کشورهایی بود که شکاف میان باسوادی دختران و پسران را به طور کامل از بین برد (باغجری، ۱۳۹۰: ۴۶۷). تونس سرمایه‌گذاری‌های زیادی در عرصه آموزش انجام داد اما نتوانست تعداد کافی جوان را با مهارت‌های لازم برای اشتغال فراهم سازد. گلدستون در پژوهشی که در خصوص انقلاب‌های ۲۰۱۱ انجام داده‌بیان می‌کند که ثبت نام در دانشگاه‌های تونس در طی سالیان اخیر سه برابر شد و تونس در عرصه آموزش و سواد رشد قابل ملاحظه‌ای داشت (Goldeston: 2011).

در کشور مصر با اقداماتی که از سوی حسنی مبارک که انجام گرفت، وضعیت آموزش در این کشور رشد قابل ملاحظه‌ای داشت. در این کشور بخش مهم جامعه از اقشار جوان به شمار می‌رفتند؛ اکثریت این افراد از طبقه تحصیل‌کردگانی بودند که از دانشگاه‌ها فارغ‌التحصیل شده ولی به دلیل نواقص ساختار دانشگاهی، تخصص و دانش لازم را برای جذب بخش‌های خصوصی بدست نیاورده بودند و این موضوع شرایط جامعه را بحرانی می‌کرد (Osman, 2010: 199).

در کشور لیبی با رشد شاخص‌های اجتماعی در دوران حکومت معمر قذافی، وضعیت سواد در این کشور رشد قابل ملاحظه‌ای داشت و تعداد افراد تحصیل کرده در این دوران نسبتاً افزایش یافت. در دوران قذافی، تحصیلات عمومی تا مقطع متوسطه اجباری و رایگان گردید و این کشور دارای

نرخ باسوادی ۹۰ درصد گردید. در سال تحصیلی ۲۰۰۸ - ۲۰۰۷ م. ثبت نام دانشجویان دختر در دانشگاه‌های این کشور به طور قابل ملاحظه‌ای از ثبت نام دانشجویان پسر بیشتر بود که خود حاکی از گسترش آموزش عالی زنان این کشور است (Colman: 2011). رشد آموزش و افزایش تعداد افراد تحصیل کرده در جامعه تونس در بالا بردن سطح آگاهی مردم نقش موثری داشت به گونه‌ای که این مسئله منجر به افزایش توقعات مردم در موضوعات مختلف می‌گردید و باعث ایجاد محرومیت نسبی در بین مردم می‌شد. همچنین شاخص‌های اجتماعی از قبیل بهداشت و مسکن نیز از پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای برخوردار بود (نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۱۷۶).

۲-۲- طرح ایدئولوژی نوسازی و اصلاح‌گرایانه در کشور تونس، مصر و لیبی

رابرت گر طرح ایدئولوژی نوسازی و اصلاح‌گرایانه را یکی از معیارهایی می‌داند که در افزایش سطح انتظارات مردم نقش موثری دارد و از سوی دولتمردان به آن توجه می‌گردد. با بررسی اقداماتی که از سوی دولت‌های تونس، مصر، لیبی انجام گرفت مشخص گردید که این موضوع در بالا بردن سطح توقعات نقش موثری ایفا می‌نماید.

همسایگی تونس با کشورهای اروپایی، دولتمردان این کشور را مجاب به پیگیری اجرای الگوهای نوسازی و توسعه تونس با اقدامات اصلاح‌گرایانه نمود. این حرکت در زمان رئیس‌جمهور قبل از بن‌علی، توسط بورقبیه جرقه آن خورده بود و با روی کار آمدن بن‌علی وارد دوره جدیدی گردید. اقداماتی که بن‌علی انجام داد باعث ایجاد طبقه جدید متوسط در جامعه تونس با خواسته‌ها و انتظارات متفاوت گردید (Boubekeur: 2009, Kausch: 2009).

در اوایل دهه ۱۹۹۰ م. بن‌علی اقدامات مهمی در حوزه اجتماعی آغاز نمود که این موضوع در الگوهای رفتاری و در تفکرات جامعه تغییرات اساسی به وجود آورد؛ این تغییرات با هدف به‌کارگیری یک سیستم مدرن و پیشرفته اقتصادی که برآمده از سیاست‌های ایدئولوژی نوسازی دولتمردان بود انجام گرفت (Samir Sobh, 2000: P:27).

بن‌علی در جهت توسعه سیاست‌های خود به منظور ایجاد تعامل بین دولت و جامعه در درون چارچوبی از ارزش‌های فرهنگی و پیشرفت‌های اجتماعی بود که در شکل‌گیری طبقه متوسط می‌توانست نقش‌آفرینی نماید. طبقاتی مانند مدیران، اساتید دانشگاه، کارمندان، معلمان، روشنفکران، خرده‌تاجران و کشاورزان در چارچوب طبقه متوسط تعریف گردیده‌اند که نقش مهمی در آگاهی توده مردم داشتند. شکل‌گیری طبقه متوسط به دولت اجازه می‌داد تا در جهت توسعه برنامه‌های ویژه

گام موثری بردارند و روند تصمیم‌گیری‌ها را با در نظر گرفتن طبقه متوسط تنظیم نماید (SamirSobh, 2000: P:28). فعالیت و حضور فعال این گروه در جامعه در افزایش سطح انتظارات از دولت روز به روز افزایش می‌یافت و پس از اقدامات اصلاحی بن‌علی در زمینه بهبود اقتصادی جامعه تونس، پس از رشد اقتصاددوره‌ای از افول اقتصادی به دلایلی که در مباحث بعدی بیان خواهیم نمود در جامعه شکل گرفت که با خواسته‌های این طبقه جدید متوسط همخوانی نداشت.

جامعه مصر نیز به دنبال اصلاحات اقتصادی که از سوی حسنی مبارک انجام گرفت؛ شاهد ظهور و رشد طبقه متوسط جدید بود. یکی از نتایج این اصلاحات، رشد طبقه متوسط کلاسیک و جدید بوده است. از سویی سرزمین مصر نیز با توجه به موقعیت حساسی که در خاورمیانه و منطقه داشت، دارای ارتباطات زیادی با بیگانگان بود و این موضوع در افزایش آگاهی سیاسی مردم و به دنبال آن بالا بردن سطح توقعات مردم به دنبال رشد اقتصادی موثر بود. از طرفی نیز یکی از مسائلی که می‌توانست در افزایش سطح انتظارات مردم مصر نقش به‌سزایی ایفا نماید، فعالیت احزاب سیاسی بود که به طرح ایدئولوژی اصلاح‌گرایانه و نوسازی در جامعه با هدف آگاهی مردم مصر می‌پرداختند و بر این اساس مطالبات جدیدی را مطرح می‌کردند. تأمل در حوادث و رویدادهای کشور مصر، بیانگر این مهم است که احزاب سیاسی، سازمان‌های دینی به ویژه اخوان‌المسلمین و جنبش‌های اعتراضی جدید، سازمان‌های موجود برای بسیج ناراضیان سیاسی و جهت‌دهی به نظام آینده سیاسی مصر نقش مهمی داشتند (مسعودنیا و سعیدی، ۱۳۹۰: ۱۸۰، صالحی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۵-۱۳۴). اما در حالی که حکومت مبارک با سلطه فراگیر خود بر بخش‌های مختلف جامعه، هرگونه کنش سیاسی را در نطفه خفه می‌کرد، نیروهای اجتماعی به خصوص طبقه متوسط جدید مصر که سطح توقعات آنها با رشد اقتصادی و افزایش سواد و آگاهی بالا رفته بود، با استفاده از رسانه‌های جمعی و خط‌مشی‌های انفرادی، دولت را در سرکوب کنش‌ورزی سیاسی و اجتماعی ناتوان ساختند (سمیعی و میرالی، ۱۳۹۴: ۵۹).

ساختار کشور لیبی در زمینه فرهنگ دموکراتیک، آگاهی سیاسی و نهادهای مدنی برخلاف کشور تونس و مصر، بر اساس بافت سنتی قبیله‌ای اقتدارگرا و خودکامه طراحی گردیده بود و طرح ایدئولوژی نوسازی اصلاح‌گرایانه با هدف توسعه جامعه در این کشور برخلاف کشورهای دیگر جهان عرب که از سوی دولت انجام می‌گرفت، متفاوت بود و دولت مانعی در جهت آشنایی جامعه با این ایدئولوژی بود، به همین دلیل در کشور لیبی سرعت نوسازی بسیار کند بود و ورود دیرنگام

لیبی به فرآیند نوسازی هرگز با مصر که سابقه تمدنی بالا قابل مقایسه نبود. در چنین بستر متصلب سیاسی، اقتصادی و ارتباطی و اجتماعی با آهنگ بسیار کند نوسازی و استمرار ساخت سیاسی و اجتماعی و سنتی قبیله‌ای نمی‌توان انتظار نقش‌آفرینی جدی از نهادهای مدنی و کنشگران مردمی داشت. چنین ساختی اجازه تشکیل احزاب و نهادهای مدنی و حتی رسانه‌ای مستقل نداشت (سردارنیا، ۱۳۹۳: ۱۷۴)؛ ولی آنچه در ایدئولوژی نوسازی و اصلاح‌گرایانه جامعه لیبی نقش مؤثری داشت رسانه‌ها بودند که علی‌رغم اینکه در انحصار دولت قرار داشت، ولی می‌توانست در معرفی ایدئولوژی نوسازی اصلاح‌گرایانه نقش‌آفرینی کند. رسانه‌های لیبی در شروع انقلاب لیبی تأثیرگذار بودند. رسانه‌ها در همان ابتدای حرکت به شهر بنغازی به عنوان مرکز حرکت مردمی تأکید داشتند (کوهکن، ۱۳۹۰: ۶۷-۸۲).

یکی از مسائلی که در تفکر اصلاح‌گرایانه کشور لیبی نقش داشت وجود افراد خارجی در کشور لیبی بود که مردم لیبی را با نوسازی می‌توانست آشنا سازد. بخشی از جمعیت لیبی را کارگران مزدبگیر فرانسوی و ایتالیایی تشکیل می‌دادند که پیش از ورود ایتالیایی‌های در شرکت‌های کشتیرانی فرانسوی و بریتانیایی کار می‌کردند. از طرفی نیز بخشی از بازرگانان لیبی متشکل از تجار غیربومی بودند که در این کشور حضور داشتند (سردارنیا، ۱۳۹۳، ۱۶۹).

۳- رکود اقتصادی و شکل‌گیری احساس محرومیت نسبی در مردم کشورهای خاورمیانه

محور سوم تئوری جیمز دیویس درباره انقلاب بر پایه ورود جامعه به یک دوره‌ای از رکود شدید اقتصادی شکل گرفته که باعث ایجاد احساس محرومیت در میان مردم می‌گردد، موضوعی که در جامعه تونس و مصر، لیبی اتفاق افتاد و این جوامع یک دوره از رکود شدید را در اقتصاد خود تجربه نمودند. بر اساس نظریه جیمز دیویس رشد اقتصادی باعث بهبود شرایط زندگی و افزایش رفاه مردم گردیده و با آغاز دوره رکود و عدم تأمین خواسته‌هایی که افزایش یافته بود غیرقابل تحمل گردید و منتهی به انفجار سیاسی و بروز انقلاب گردید که در این کشورهای این مورد قابل مشاهده و تعمیم است.

۳-۱- رکود اقتصادی و شکل‌گیری احساس محرومیت نسبی مردم تونس، مصر و لیبی

تونس یکی از کشورهایی بود که پس از رشد بی‌سابقه و سریع اقتصادی بنا به عللی وارد دوره رکود اقتصادی گردید موضوعی که باعث شد باعث شکل‌گیری محرومیت‌هایی برای مردم تونس در

زندگی گردد. بر اساس نظریه محرومیت نسبی، رشد سریع اقتصادی در جامعه و به دنبال آن، شروع یک دوره رکود می‌تواند هم‌زمان که توقعات افراد در جامعه را افزایش داده باعث ایجاد محرومیت گردد و این موضوع باعث بروز انقلاب شود. در کشور تونس، سیاست‌های اقتصادی دولت بن علی در ابتدا بسیار موفقیت‌آمیز بود و جامعه تونس را وارد دوره جدیدی از تحولات اقتصادی نمود و کشور به سمت توسعه یافتگی خیز برداشت ولی این رشد اقتصادی بلندمدت نبود و دلایلی باعث گردید که این رشد اقتصادی به رکود اقتصادی و افول اقتصاد تونس منتهی گردد و باعث افزایش نارضایتی مردمانی گردد که قبلاً رشد اقتصادی کشور به‌طور مستقیم بر زندگی توده مردم اثر گذاشته بود. اگرچه تحولات فوق در نگاهی اجمالی تصویری کاملاً مطلوب را نمایش می‌دهد؛ اما نگاهی دقیق‌تر به اوضاع اقتصادی- اجتماعی تونس، چالش‌های عمده‌ای را مشخص می‌کند. در واقع اگرچه اصلاحات اقتصادی- اجتماعی در دوران بن علی گسترش یافت؛ اما این اقدامات، نابرابری اقتصادی را تشدید و زندگی را برای فقرا دشوارتر نمود؛ همچنین فرصت‌هایی را برای برخی کارآفرینان بومی ایجاد کرد و باعث شد طبقات بالای جامعه از سیاست‌های آزادسازی تجاری رژیم بهره‌بردارند (Gause: 2011) به هر حال اصلاحات اقتصادی در این کشور به خاطر نبود نظام کنترل و تعادل‌ها باعث شد که مزایا و فواید عمدتاً در جیب محدودی از اقشار و نخبگان وابسته رفته و شهروندان عادی بهره‌چندانی از آن نمی‌بردند (Dadush Masood@ Michele: 2011).

عوامل رکود اقتصادی در کشور تونس را می‌توان در بحث ذیل بررسی نمود:

کشور تونس برای احیای اقتصاد خویش اقدام به آزادسازی تجارت جهانی نمود. هرچند کشور تونس موفق‌ترین کشور عربی در برنامه آزادسازی اقتصادی بود ولی مسائل و مشکلاتی باعث گردید که نتواند چندان در این زمینه عملکرد موفقیت‌آمیزی داشته باشد. بین سال‌های ۱۹۸۷ و ۱۹۸۶ اقتصاد با میانگین سالانه ۲/۸ درصد رشد کرد و در دوره زمانی ۱۹۹۸-۱۹۹۲ رشد اقتصاد به میانگین سالانه ۵/۲ درصد رسید. با این وجود؛ چنان‌که این روند در دوره‌های طولانی مدت‌تر مورد مقایسه قرار می‌گیرد، این آمار معکوس می‌شود. بین سال‌های ۱۹۷۶ و ۱۹۸۵ اقتصاد با میانگین سالانه ۱۱ درصد رشد داشت که در سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۹۶ این میزان به سالانه ۴/۳ درصد تنزل پیدا کرد؛ این کاهش به علت برخی عوامل بود؛ برای مثال در سال ۱۹۹۱-۱۹۹۰ بحران خلیج فارس بر سطح فعالیت اقتصادی در کل خاورمیانه تأثیر گذاشت؛ در سال ۱۹۹۳-۱۹۹۲ میلادی اروپای غربی، بزرگ‌ترین بازار تونس دچار رکود شد و در سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۹۳ کشاورزی تونس دچار خشکسالی شد.

خشک‌سالی در سال ۱۹۸۸ این میزان به پایین‌ترین سطح خود رسید به عنوان بخشی از GDP از سال ۱۹۶۰ رسید (Un World Bank and Social Survey, 1996: P15).

رکود اقتصادی به وجود آمده به معضل بیکاری قشر جوانان و به خصوص افراد تحصیل‌کرده منجر گردید ولی به دلیل مشکلات اقتصادی، دولت قادر نبود برای این افراد اشتغال‌زایی نماید (واعظی، ۱۳۹۲، ۱۳۲). مسئله بیکاری قشر جوانان تحصیل‌کرده تونس‌ی موضوعی بود که از وضعیت نابسامان اقتصادی نشأت می‌گرفت و این مسئله از سال ۲۰۰۶ افزایش یافته بود و بیش از ۳۰ درصد جمعیت در سن کار یعنی بین ۱۵ تا ۲۴ سال بیکار بودند (Rym Ayadi, 2011, Central Bank of Tunisia, 2010). ناهماهنگی میان گسترش قابل توجه سطح سواد و تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاه با بازار کار و سطح توسعه اقتصادی، رژیم را دچار بحران توزیع ساخت و نارضایتی سیاسی و اقتصادی را در میان نسل‌های جوان به نحو قابل توجهی گسترش یافت و سهم قابل توجهی در سقوط بن علی داشت (واعظی، ۱۳۹۲: ۱۳۷).

با توجه به جمعیت بالای جوانان، ترکم جمعیت باعث نبود تعادل میان امکانات و توانایی رژیم برای ایجاد اشتغال بود. بیکاری جوانان یکی از مهم‌ترین عواملی بود که باعث افزایش محرومیت بر اساس نظریه جیمز دیویس و خشم در میان مردم شد. نمودار زیر وضعیت را نمایش می‌دهد (Ayadi: 2011).

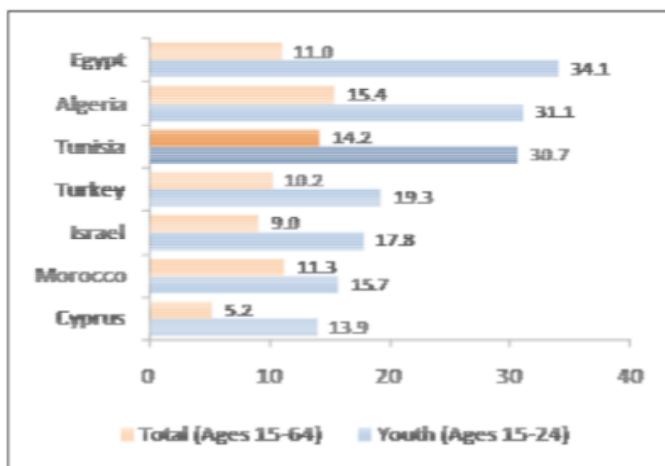


Fig. 1. Youth unemployment in Tunisia as compared to other countries in the region (2005-2006)

Source: UN and World Bank

بر اساس تحقیقاتی که در زمینه میزان اشتغال و تعداد افراد بیکار در جامعه تونس در آستانه انقلاب انجام گرفت، بیکاری در میان جوانان تحصیل کرده ۸/۶ درصد در سال ۱۹۹۹ به ۱۹ درصد در سال ۲۰۰۷ افزایش یافت (Mahjoub: 2010). نبود تعادل در مسائل جمعیتی و اقتصادی با توانایی حکومت‌ها، مشکلی بود که در سرتاسر این منطقه مشاهده گردید. نسلی از جوانان سرخورده شهری با تحصیلات مناسب اما مشاغلی اندک در حوزه‌های خاص، امیدهای اندک برای ازدواج و دیگر نشانه‌های پیشرفت اجتماعی بر جای گذاشته است (ویتس، ۱۲۹۰: ۶۲). در مجموع پیشرفت‌هایی که در کشور تونس اتفاق افتاد به دلیل اینکه کارکرد مناسبی نداشت نتوانست به شیوه منطقی توزیع شود و عملاً شکاف اقتصادی عظیم، بیکاری به ویژه در میان تحصیل‌کردگان و کارگران و همچنین دستمزدهای پایین زمینه‌های نارضایتی را در این کشور ایجاد نمود.

همان‌طوری که در تبیین نظریه جیمز دیویس بیان گردید وی با رویکردی روان‌شناسانه، نارضایتی‌های اقتصادی را ریشه و علل شکل‌گیری شورش و انقلاب می‌داند و در شکل‌گیری انقلاب تونس نیز این مسئله به خوبی قابل مشاهده است. یکی از عوامل دیگری که در وضعیت نامناسب اقتصادی و افزایش نارضایتی‌های مردم تونس نقش مهمی داشت فسادهای سامانمند و گسترده‌ای بود که در دوران حکومت بن علی در تونس وجود داشته است. فساد گسترده بدون شک بارزترین ویژگی حکومت بن علی محسوب می‌شد. سفیر آمریکا در سال ۲۰۰۶ در آمریکا گزارش داد که بیش از نصف نخبگان تجاری تونس از طرف فرزندان، برادران و سایر بستگان بن علی با او در ارتباط‌اند (Anderson: 2011، Kallander: 2011)؛ و از رانت این ارتباط بهره می‌گیرند. روابط فامیلی با خانواده بن علی و فساد گسترده در میان آن‌ها به گونه‌ای بوده که از آن تحت عنوان نهاد فساد در هزار فامیل تونس نام برده شده است. نیروهای اپوزیسیون بین مهر و موم‌های سال‌های ۱۹۸۹-۱۹۹۱ میلادی به تحقیقی میدانی درباره خانواده‌هایی که در غارت سازمان‌یافته ثروت مردم تونس دست داشتند پرداختند (قزوینی حائری، ۱۳۹۰: ۳۴-۳۵). در جدول ۱ شاخص فساد اعلام شده از سوی سازمان شفافیت بین‌الملل در سال ۲۰۰۶، رتبه تعدادی از کشورهای منطقه را در مقایسه با ۱۶۳ کشور نشان داده است.

همچنین عواملی خارجی نیز در رکود اقتصادی تونس نقش مؤثری داشتند. مهم‌ترین عامل خارجی که در تشدید بحران اقتصادی تونس نقش مهمی داشت، بحران‌های مالی بین‌المللی بود که بر مشکلات داخلی تونس افزود. ساختار اقتصادی کشور تونس به گونه‌ای بود که به شدت وابسته به

بازار اروپا بود و صادرات عمده کشور تونس به اروپا انجام و هم‌زمان نوساناتی که در اتحادیه اروپا به وجود آمده بود باعث گردید که تأثیر منفی در اقتصاد کشور تونس داشته باشد و نتیجه این نوسانات مالی در اروپا باعث گردید که تونس از بحران‌های مالی جهانی بیشتر از سایر کشورها متضرر گردد (Paciello, 2010) به طوری که رشد اقتصادی واقعی تونس از ۶/۳ درصد در سال ۲۰۰۷ به ۴/۵ درصد در سال ۲۰۰۸ و به ۳/۳ درصد در سال ۲۰۰۹ کاهش یافت (Ayadi: 2011).

جدول ۱- شاخص فساد و رتبه جهانی تونس

رتبه جهانی شفافیت	شاخص فساد	کشور
۳۶	۶/۲-۵/۳	بحرین
۵۱	۵/۶-۳/۹	تونس
۷۰	۳/۷-۳	مصر
۹۳	۳/۲-۲/۳	سوریه
۱۰۵	۳/۲-۲/۴	لیبی
۱۱۱	۳/۲-۲/۴	یمن

Source: www.cia.gov

۳-۲- رکود اقتصادی و شکل‌گیری احساس محرومیت نسبی در مردم مصر

شاخصه‌هایی که در کشور تونس برای رکود اقتصادی وجود داشت تا حدودی با سایر کشورهای خاورمیانه یکسان بود. در این میان می‌توان گفت در جامعه مصر علی‌رغم اقداماتی اصلاحی که از زمان جمال عبدالناصر و انور سادات و حسنی مبارک برای رشد و توسعه کشور انجام گرفت و با توجه آنچه داده‌های آماری نشان می‌دهند، مصر مرحله رشد و توسعه را با سرعت بسیار بالا طی کرد ولی علل و عواملی در جامعه مصر وجود داشت که در تشدید وضعیت اقتصادی و ایجاد بحران اقتصادی پس از رشد و توسعه، نقش مؤثری ایفا می‌کرد.

یکی از مسائلی که در بروز بحران اقتصادی مصر نقش داشت اقداماتی بود که دولت در جامعه انجام می‌داد. اقتصاد مصر از زمانی دچار رکود گردید که دولت هزینه‌های بخش دولتی را افزایش داد و در عوض حقوق و یارانه‌ها را کاهش داد و قیمت مواد غذایی بیش‌ازپیش افزایش یافت و به دنبال این اقدام، ذخایر ارزی کشور در سال ۲۰۱۱ م. حدود ۶۰ درصد کاهش یافت و دولت مجبور به استقراض از بانک‌های خارجی گردید که این موضوع پاسخگوی حل مشکلات جامعه نبود (پیام

عسکری ، ۱۳۹۰: ۱۷، عبدالفضیل، ۲۰۰۸: ۲۴). در این دوران دولت به شدت نسبت به سیستم رفاه اجتماعی کم توجه بود. برای مثال می‌توان گفت که در سال ۲۰۰۸ م. تنها ۱۹ درصد از هزینه‌های بخش عمومی به آموزش و پرورش و بهداشت اختصاص داده شد و این رقم در سال ۲۰۰۶ م. به ۱۱ درصد و در سال ۲۰۰۸ م. به ۴ درصد رسید و در رکود اقتصادی سال ۲۰۰۹ م. به ۱ درصد رسید. رشد سریع اقتصادی در سال ۲۰۰۳ م. منجر به افزایش انتظارات و توقعات فزاینده مردم گردید اما حس محرومیت مردم در رسیدن به رفاه اجتماعی در سال‌هایی که وضعیت اقتصادی چندان مناسب نبود، باعث بروز اعتراضات در مهر و موم‌های بعد گردید (7: 2011, Cristiana Paciello).

۳-۳- رکود اقتصادی و شکل‌گیری احساس محرومیت نسبی در لیبی

در کشور لیبی نیز با توجه به اینکه کم جمعیت بود و درآمدهای سرشار نفتی باعث پویا شدن اقتصاد گردیده بود در نهایت گفت عواملی باعث گردید که جامعه لیبی با رکود نسبی درگیر گردد که می‌توان موارد زیر به آن اشاره نمود: یکی مسائلی که آفت اقتصاد به شمار می‌رود فساد مالی است که می‌تواند جامعه را به سراشیبی سقوط نزدیک کند و خطرناک‌ترین موضوعی است که اثرات مخربی به دنبال خواهد داشت، مسئله که در کشور لیبی مانند سایر کشورهای خاورمیانه مسئله‌ساز گردیده و در بحران اقتصادی نقش مؤثری می‌توانست ایفا نماید. فساد گسترده اقتصادی یکی از ویژگی‌های بارز حکومت قذافی در لیبی بود که به دلیل درآمدهای سرشار نفتی در این کشور وجود داشت و فساد گسترده‌ای در میان طبقه حاکم و نزدیکان قذافی اتفاق افتاد که باعث نارضایتی شدید مردم گردیده بود (حائری قزوینی ، ۱۳۹۰: ۷۵-); همچنین باید توجه داشت که بر اساس آمارهای شفافیت بین‌المللی، لیبی در میان کشورهای مورد بررسی در سال ۲۰۱۰ م. بالاترین میزان فساد را داشته است (نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۱۷۸). عدم توزیع عادلانه ثروت نیز یکی از مسائلی است که می‌تواند در نارضایتی اقتصادی و شکل‌گیری محرومیت‌آحاد ملت نقش مؤثری داشته باشد. این مسئله یکی از چالش‌های اقتصادی لیبی در دوران معمر قذافی بود و همچنین معضل بیکاری نیز در تشدید بحران‌های اقتصادی در جامعه لیبی نقش داشت که در مهر و موم‌های منتهی به انقلاب لیبی نرخ آن به ۲۱ درصد نیز می‌رسید (نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۱۷۸).

نتیجه‌گیری

با تأملی بر تحولات انقلاب تونس و مصر و لیبی می‌توان گفت تئوری جیمز دیویس تا حدودی

توانسته است علل شکل‌گیری انقلاب در انقلابان جهان عرب را تبیین نماید. به‌طورکلی می‌توان گفت نظریه جیمز دیویس از عوامل اقتصادی آغاز می‌گردد و با عبور از عوامل روان‌شناختی به مرحله جنبش سیاسی رسیده و در نهایت منتهی به بروز یک رخداد سیاسی و اجتماعی می‌گردد.

جیمز دیویس در تبیین نظریه خود برای انقلاب مراحل را ترسیم می‌نماید که هر انقلابی نیازمند عبور از این مراحل است: مرحله رشد سریع اقتصادی در جامعه، مرحله افزایش انتظارات و توقعات فزاینده، مرحله رکود اقتصادی و شکل‌گیری محرومیت نسبی در جامعه.

به‌طورکلی با بررسی شرایط حاکم بر شکل‌گیری انقلاب‌های جهان اسلام درباره نتایج و یافته‌های تحقیق می‌توان گفت نظریه جیمز دیویس با آنچه در تونس، مصر و لیبی اتفاق مطابقت دارد.

مرحله اول شکل‌گیری انقلاب از نظر جیمز دیویس بحث رشد اقتصادی در جوامع است. با بررسی عوامل شکل‌گیری انقلاب در جامعه تونس و مصر، آنچه باعث رشد اقتصادی در این کشورها گردید می‌توان به مجموعه‌ای از عواملی از قبیل افزایش قیمت نفت، اعمال سیاست‌های مالی و برنامه‌ریزی جامع تعدیل اقتصادی، توجه ویژه به صنعت توریسم و آزادسازی اقتصاد جهانی و توجه به خصوصی‌سازی اشاره نمود و بر اساس نظریه جیمز دیویس می‌توان به این یافته‌ها رسید که رشد اقتصادی در جامعه تونس باعث شکل‌گیری توقعات فزاینده مردم گردیده و به دنبال آن سطح معیشت و زندگی مردم بهبودی چشمگیری یافت که این امر به عنوان مرحله اول انقلاب در تئوری دیویس قابل ارزیابی است.

از سوی دیگر در جهان اسلام کشور لیبی قرار داشت که موج انقلاب‌های خاورمیانه به این کشور نیز رسید. البته با بررسی خصوصیات انقلاب در لیبی می‌توان به این نتیجه رسید که شرایط بروز انقلاب در این کشور با جامعه تونس و مصر تا حدودی با توجه به ساختار سیاسی این کشور به دلیل شرایط منطقه‌ای آن متفاوت بود و رشد اقتصادی جامعه لیبی که دیویس آن را به عنوان نخستین مرحله انقلاب بیان می‌کند در نتیجه اقدامات دولت نبود زیرا ساختار جامعه تونس بر اساس بافت قبیله‌ای شکل گرفته و بافت قبیله‌ای و سنت‌گرای کشور لیبی مانع هرگونه اقدامی از سوی دولت گردیده بود و آنچه در شروع روند توسعه لیبی نقش اساسی داشت وجود منابع سرشار نفتی بود که باعث شد کشور لیبی تحولات اقتصادی گسترده‌ای را در خود ببیند.

مرحله بعد از رشد اقتصادی از نظر جیمز دیویس، افزایش سطح توقعات و انتظارات است که به دنبال رشد شاخص آموزش و سواد، طرح ایدئولوژی نوسازی شکل می‌گیرد. در جامعه تونس و

مصر و لیبی اقداماتی در جهت آموزش و سواد انجام گرفت که منتهی به افزایش تعداد افراد تحصیل کرده گردید که آگاهی سیاسی به مراتب بالایی داشتند و در زمینه نوسازی و توسعه جامعه اقداماتی مهمی در جامعه تونس و مصر انجام گرفت در این مرحله مطالبات و توقعات مردم افزایش می‌یابد و در این زمینه جامعه لیبی با توجه به ساختار قبیله‌ای که داشت نقش چندانی در این زمینه برای این کشور قابل تصور نیست ولی عواملی از قبیل حضور غیربومی‌ها در کشور لیبی از جمله شهر بنغازی به عنوان مهم‌ترین شهری که آغازگر تحولات لیبی به شمار می‌رفت و همچنین مخالفان دولت معمر قذافی که بیشتر در خارج از کشور حضور داشتند و از سویی نیز رسانه‌ها در افزایش سطح آگاهی مردم نقش فعالی داشتند که در افزایش سطح توقعات و مطالبات مردم می‌توانست عمال تأثیرگذاری باشد.

مرحله سوم از نظر جیمز دیویس که محرومیت نسبی در جامعه را به وجود آورد آغاز رکود اقتصادی است که باعث افزایش نارضایتی شدید مردم گردید. در این مرحله با توجه به اینکه مردم دوره‌ای از رشد اقتصادی را تجربه نموده و سطح زندگی و سطح رفاه آن‌ها به مراتب افزایش یافته و با توجه به اینکه جامعه دچار رکود اقتصادی گردیده و توقعات فزاینده مردم با شرایط جامعه یکسان نیست؛ محرومیت نسبی به وجود آمده و منتهی به بروز انقلاب می‌گردد. در جامعه تونس، مصر و لیبی این مسئله به خوبی مشهود است. در این کشورها عواملی وجود داشت که باعث گردید جامعه وارد دوره‌ای از رکود اقتصادی گردد و از جمله آن می‌توان به تبعات سیاست آزادسازی تجارت جهانی، معضل بیکاری، فساد اقتصادی در دستگاه‌ها حکومتی و بحران‌های بین‌المللی مالی اشاره نمود که در نهایت باعث ایجاد یک محرومیت نسبی پس از طی کردن دوران رشد اقتصادی در مردم گردید و باعث شعله‌ور شدن انقلاب و سقوط حکومت‌های جهان عرب گردید.

منابع

الف- منابع فارسی

- باغجری، کمال (۱۳۹۰)، *بیداری اسلامی، (دلایل و ریشه‌ها)*، تهران: ابرار معاصر.
- حکیمیان و مشاور (۱۳۸۳)، *دولت و تحول جهانی*، ترجمه عباس حاتمی کیا، تهران: کویر.
- خانی، حسین (۱۳۹۰)، *بررسی علل تحولات تونس و گزینه‌های پیش‌روی جمهوری اسلامی*

- ایران، گزارش راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گر، رابرت (۱۳۷۷)، *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند*، ترجمه علی مرشدی زاده. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴)، *جامعه‌شناسی معاصر*. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- لوئیس، کوزر (۱۳۶۸)، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۹۲)، *سیری در نظریات انقلاب*، تهران: قومس.
- نیاکوئی، سید امیر (۱۳۹۱)، *کالبدشکافی انقلاب‌های معاصر در جهان عرب*، تهران: نشر میزان.
- واعظی، محمود (۱۳۹۲)، *انقلاب و تحول سیاسی در خاورمیانه*، تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه.
- احمدیان، حسن (۱۳۹۰)، «گذار مصر از اقتدارگرایی عوامل زمینه‌ها»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال چهارم، شماره اول.
- پیام عسگری، فهیمه (۱۳۹۰)، *چالش‌های اقتصاد مصر پس از انقلاب*، شروع یک ماراتن برا فار، نامه *اتاق بازرگانی*، ش ۵۷.
- سردارنیا، خلیل‌الله و رضا عمویی (۱۳۹۳)، *تحلیل انقلاب لیبی و چالش‌های فراروی حکومت پسااقتدارگرا از منظر بحران هویت و آمریت*، *فصلنامه روابط خارجی*، شماره ۲۱.
- سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۹۰)، «تحلیل کنشگرایی چرایی تثبیت حکومت اقتدارگرا در مصر از دهه ۱۹۸۰ تا ژانویه ۲۰۱۱»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال پنجم، شماره ۱۸.
- کوهکن، علیرضا (۱۳۹۰)، «نقش رسانه‌ها در انقلاب لیبی»، *مجله رسانه*، شماره ۸۵.
- یوسف زاده، حسن (۱۳۸۸)، «بررسی انتقادی نظریه‌های جامعه‌شناختی پیرامون انقلاب اسلامی»، *ماهنامه معرفت*، شماره ۱۱.

ب- منابع انگلیسی و عربی

- Alexander, Chrisofer (2010), Tunisia: Stability and Reform in the Modern Maghreb. Routledge.
- Osman, Tarek (2010), Egypt on the Brink: From Nasser to Mubarak s Egypt. Cambridge University Press.
- Saikal, Amin (Nomber 2011) Authoritarianism, revolution and democracy Egyptand beyond sournal of international Affairs vol .65.No.5.
- Alissa, suryan (oktober 2007). The political Economy of reform in Egypt: understanding the rele of Institutions, Carnegie middle East center, Number5.
- Hanieh, Adam. 2011. Egypts vprising Not Jast a Question of Transition, The Arab Revolts Against Neoliberalism, socialist project socialist tntervention pamphlet series.
- Davies, J. 1962. Toward a theory of revolution. American Sociological Review 27:1-23.
- Ayadi, Rym, Silvia Colombo, Maria Cristina Paciello and Nathalie Tocci, The Tunisian Revolution; An Opportunity for Democratic Transition, 2011.
- Kallander, Amy Aisen, (2011), "Tunisia's Post- Ben Ali Challenge: A Primer", MERIP, 26 January (<http://www.merip.org/mero/mero012611.html>) (accessed on: 25 June 2012).
- Mahjoub, Azzam, (2010), "Labor Markets Performance and Migration Flows in Tunisia", in: European Commission Directorate-General for Economic and Financial Affairs, Labor Markets Performance and Migration, Tunisia, Morocco and Algeria, Occasional Papers 60, Vol. 2, Brussels, Belgium.
- Saleh M. Nsouli Eken Sena. Ender Klaus Tnai Van-Can Deccression Jorg and cartiglia Fillippo (1995) Resilience and Growth Through Sustained Adjustment: The Moroccan Experience (Washington .D.C: IMF :)

- Emma c Murphy (1999). Economic And political Change in Tunisia: From Bourgubia to Ben Ali. New York: St Martin S Press.
- Un Word Economic And social survey (new York: Un. 1996).
- Lisa, A., 2011, "Demystifying the Arab Spring: Parsing the Differences between Tunisia, Egypt and Libya", Foreign Affairs, Vol.90, No3.
- Sch.David warts (1972), "Political Alienation: Psycholiye of revolutions First Stage, " in Abends , feir and Gur. anger, violence and politics, Englcwood Gliffs preticehall.
- Anour Abdolmalek, Egypt (1968): Military society, The Army Regim, The left, and social change unde Naser, usa, Random House, p.xii.
- Derek Hopwood (1993), Egypt: politics and society 1945-1990, Routledge, p:78.
- Gurr, Ted Robert (1968) Psychologicat Factors in Civil Violenc, World Politics, p.25-35.
- Hunter, Marine (2011) "logn Road Ahead of Egypt Tourism", February 9: <http://articles .cnn.com>.
- The world Bank, Egypt overview <http://www.wordbank .org/en/country /Egypt/ oveviev>.
- www.imf.org.